

شناسایی عوامل موثر بر مشارکت عمومی شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی

محمدعلی نیک بخش^۱

سعید اسماعیلی^۲

چکیده

یکی از روش‌های ایجاد این دیدگاه شهروند محور و شکل‌گیری مردم‌سالاری، ایجاد پل ارتباطی بین شهروندان و دولت برای مشارکت دادن شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری است. بنابراین اصل مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری یک پدیده مطلوب است، اما مشخص نیست که چگونه می‌توان زمینه را برای ایجاد چنین شرایطی فراهم کرد. از همین رو در این پژوهش به شناسایی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخته شد. پس از بررسی مبانی نظری و مطالعات پیشین در حوزه مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی، بر اساس مطالعات صورت گرفته، ۱۶ عامل موثر شناسایی گردید. سپس این مولفه‌ها در قالب سه مرحله پرسشنامه دلفی در اختیار خبرگان قرار گرفت. با عنایت به تحلیل سه راند دلفی، ۱ مولفه در سایر مولفه‌ها ادغام شد و ۵ مولفه نیز حذف گردید و در نهایت ۱۵ مولفه مورد تایید خبرگان قرار گرفت. در ادامه با استفاده از نظرات کارشناسانه ۸۰ نفر از خبرگان و متخصصان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به دسته‌بندی و بررسی آماری عوامل پرداخته شد و تحلیل نتایج با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی، نشان داد که می‌توان ۱۵ مولفه را ذیل ۵ عامل دسته‌بندی کرد. عوامل اصلی شناسایی شده شامل ارتباط و کانال‌های ارتباطی، حمایت از نمایندگان و منتخبان شهروندان، تنظیم قوانین و مقررات، تشویق و ایجاد انگیزه در شهروندان و اصلاحات در ساختار دولتی بود.

واژگان کلیدی: شهروند محور، مردم‌سالاری، فرآیند خط مشی گذاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار، گروه مدیریت، واحد بندر دیلم، دانشگاه آزاد اسلامی، دیلم ایران (نویسنده مسئول)، nikhakhsh2000@yahoo.com

^۲ گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

از عوامل مهم موفقیت سازمان های بخش دولتی مشارکت داوطلبانه و شهروندمحوری است که مورد تاکید پارادایم خدمات عمومی نوین است (بزرگی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). شهروندان نقش بی بدیلی در کاهش انحرافات خط مشی های عمومی از مسیر اصلی خود که برطرف کردن مسائل عمومی است دارند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱). بدون مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری، مطالبه گری شهروندان نیز تحت تاثیر قرار می گیرد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۶). و این امر موجب بی تفاوت شدن شهروندان به خط مشی ها و کاهش مشارکت آنها در اجرای خط مشی های عمومی می گردد. از همین رو، خط مشی گذاران در سازمان های دولتی باید توجه ویژه ای به مشارکت شهروندان و روش های عملی شدن این مشارکت داشته باشند (دی اسمت و بورش، ۲۰۲۰). یکی از مسائل دوگانگی در خط مشی گذاری، مساله دوگانه مشارکت عمومی در مقابل مشارکت گروه خاص است. بعضی از مدل های خط مشی گذاری مبین آن است که حکومت ها ترجیح می دهند اقلیتی خاص به عنوان نخبگان یا حاکمان به تعیین خط مشی ها و برنامه های عمومی بپردازند و نیازی به ایجاد راه های مشارکت عمومی، اظهار نظر نهادهای مردمی و غیردولتی و گروه های خارج از حاکمیت نیست. تلقی طبقه حاکم طرفدار حاکمیت نخبگان در این است که نخبگان با داشتن صلاحیت و آگاهی می توانند بهتر خط مشی گذاری کنند و در عین حال قدرت را در دستان خود محفوظ نگه خواهند داشت (سیاهکالی مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). عامه مردم نیز باور دارند طبقه حاکم و نخبگان بدون در نظر گرفتن و مشارکت دادن مردم در عرصه، مصالح آنان را تشخیص نخواهند داد. مسدود بودن راه های مشارکت عمومی از یک طرف و تقاضای جامعه برای حضور فعال در این عرصه که ممکن است همراه با واکنش های جدی مانند اعتصاب، تحصن، نارضایتی، بی تفاوتی و... باشد دوگانگی جدی ایجاد می نماید. برای مشارکت آمیز بودن فرآیند خط مشی گذاری باید گام هایی برداشته شود. این امر تنها زمانی قابل حصول است که مردم دسترسی واقعی و نه خیالی به قدرت و منابع داشته باشند (وو و همکاران، ۲۰۲۱). دموکراسی که تنها وسیله انتخابات دوره ای مشخص می شود در واقع مشارکت آمیز نیست. ابتکار و ذوق مردم را نباید خنثی نموده و بسیج توده ای نباید برچسب قبول و اجابت توده مردم در مورد تصمیمات اتخاذ شده در مراکز قدرت تحت سلطه نخبگان، درک و تصور شود. به عبارت دیگر مردم نه تنها باید برای خودشان در مورد آنچه که به حال و آینده شان مربوط است تصمیم بگیرند. بلکه آن ها باید در اجرای برنامه های عمومی و خط مشی ها دست بالا را داشته باشند (مک کان و پولاسک، ۲۰۲۰). برخی از اندیشمندان مشارکت شهروندان را امری ضروری برای بهبود کیفیت خط مشی گذاری و اجرای آن می دانند. بنابراین اصل مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری یک پدیده مطلوب است (تدر و کایمر، ۲۰۱۸). اما نمیدانیم که چگونه می توان زمینه را برای ایجاد چنین شرایطی فراهم کرد. زیرا قطعاً برخی از عوامل در این زمینه موثر هستند و با تقویت این عوامل یا بررسی آنها، می توان شرایط را بهبود بخشید. اما بررسی های مطالعات و مقالات پیشین، مشخص نکرده است که این عوامل، چه هستند (محمدی و دانایی فر، ۱۳۹۸). از طرف دیگر نمی دانیم این عوامل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چیست؟ یعنی ممکن است به برخی از عوامل در مطالعات خارجی و حتی داخلی اشاره شده باشد، اما اینکه آیا این عوامل می توانند بطور واقعی و عملیاتی در مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری دخیل باشند یا خیر، صحبتی نشده است. از همین رو مساله اصلی پژوهش حاضر چنین مطرح می شود که چه عواملی بر مشارکت عمومی شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موثر می باشند؟

خط مشی گذاری مشارکتی

رویکردهای مشارکتی، سیاست ها و علایق آکادمیک رو به رشدی را در تمام حوزه های خط مشی گذاری از انرژی گرفته تا محیط زیست و سایر بخش ها، به خود جلب کرده است. اصطلاح «مشارکت عمومی» به مجموعه ای از شیوه ها اشاره دارد که عموم را درگیر می کند. این شیوه ها می توانند اشکال مختلفی داشته باشند که شامل مکانیسم های سنتی تر مشارکت مانند انتشار اطلاعات، جلسات عمومی و مشاوره، و همچنین روش های جدیدتر مشارکت مانند میانجی گری، گفتگو، کمیته های مشورتی مبتنی بر اجماع،

1 - Zhang & etal

2 - De Smedt & Borch

3 - Wu & etal

4 - McCann & Polacsek

5 - Teder & Kaimre

و مشورت می‌شود (گلدار و همکاران، ۱۳۹۶). شیوه‌های مشارکتی ریشه در مفهوم حکمرانی دارد. مفهوم حکمرانی مشارکتی بر این نکته تأکید دارد که قدرت و نفوذ دولت محدودیت‌هایی دارد. هدایت سلسله‌مراتبی که با رویکردی متخصص محور و رهبری دولت مشخص می‌شود برای سیاست‌گذاری یا حل مشکل کافی نیست. بنابراین، دیدگاه حکمرانی استدلال می‌کند که دولت باید برای مشارکت دادن ذینفعان غیردولتی از جمله مردم، بخش تجاری و جامعه مدنی به منظور افزایش ظرفیت‌های حاکمیتی خود برای دستیابی به اهداف اجتماعی و حل مشکلات دست‌دراز کند (تهامی پور و همکاران، ۱۳۹۵). به‌طور کلی، دولت‌ها انگیزه دارند تا رویکردهای مشارکتی بیشتری را به عنوان راه‌های مهم پاسخگویی به درخواست‌ها برای دموکراسی نمایندگی، شفافیت و پاسخگویی بیشتر، و بازگرداندن اعتماد عمومی و افزایش مشروعیت سیاست‌ها اتخاذ کنند (کفاش زاده و همکاران، ۱۳۹۶). مشارکت عمومی نیز به عنوان وسیله‌ای برای بهبود کیفیت سیاست از طریق به‌کارگیری هوش جمعی برای حل مسئله در نظر گرفته می‌شود ادبیات همچنین بر محرک‌های هنجاری و مکانیسم‌های حمایتی برای مشارکت روشن می‌کند. اینها شامل بهنگام بودن، افشای اطلاعات، فرآیندهای بازخورد، توانمندسازی مردم، فراگیر بودن، پاسخگویی، مشورت و مسئولیت‌پذیری است (بات، ۲۰۱۸). موضوع دیگری در ادبیات، تفاوت‌های شکل‌های مشارکت را که در بالا ذکر شد روشن می‌کند. فرم‌های مشارکتی می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی از نظر اینکه چه کسی درگیر است، در چه زمانی زود هنگام و اغلب در فرآیند، و چه کسی بر نتایج نهایی تأثیر دارد، متفاوت باشد (بارلو و بارلو، ۲۰۱۸). آرنشتاین^۳ (۱۹۶۹) از نردبان مشارکت شهروندان، مشارکت را به هشت پله متمایز می‌کند: از مرتبه‌های پایین‌تر مشارکت که شامل دستکاری، درمان، اطلاع‌رسانی، مشاوره، و مکان‌یابی است تا مرتبه‌های بالاتر که شامل مشارکت، قدرت تفویض شده و شهروندی است. کنترل استرلینگ^۴ (۲۰۰۵) استرلینگ (۲۰۰۶)، فیورینو^۵ (۱۹۹۰)، توجه را به تمایزات مفهومی بین منطق ابزاری، ماهوی و هنجاری برای مشارکت معطوف می‌کند. از منظر ابزاری، مشارکت به عنوان وسیله‌ای برای افزایش مشروعیت سیاست، آموزش عمومی و تقویت اعتماد به نهادها تلقی می‌شود (آنفاتاناسیلپ^۶، ۲۰۱۸).

چیستی خط‌مشی‌گذاری مشارکتی

سال‌هاست که نوع سنتی تحلیل خط‌مشی به شدت تحت تأثیر رویکرد کارشناسی قرار گرفته است رویکردی که مبتنی بر تمایز بین علم و سیاست است (اسکو بار، ۲۰۱۸). یکی از مفروضات اصلی این است که تحلیلگر سیاست، دانش علمی معتبری را تولید می‌کند که سیاست‌گذاران برای حل مشکلات خط‌مشی به آن نیاز دارند. در سال‌های اخیر، جریان ثابتی از کتاب‌ها وجود داشته است که از نوع سنتی تحلیل خط‌مشی انتقاد می‌کنند و برای نوع مشارکتی تحلیل سیاست استدلال می‌کنند. استدلال‌ها را می‌توان در دو خط مرتب کرد. خط اول به استفاده از مدل‌های رسمی سنتی در سیاست‌گذاری مربوط می‌شود، در حالی که خط دوم بر نیاز به تعامل اجتماعی برای تغییر سیاست‌های فعلی تأکید دارد (نلسون^۷، ۲۰۲۰). در اصل، تکنیک‌های مدل‌سازی رسمی در رشته‌های تحقیقاتی مختلف، اما مرتبط مانند تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، پویایی سیستم‌ها و تحقیقات عملیاتی استفاده می‌شد. تکنیک‌های مدل‌سازی رسمی سنتی مبتنی بر پارادایم متعارف «تفکر سیستم‌های سخت» است. این پارادایم ارتباط بسیار نزدیکی با رویکرد برنامه‌ریزی منطقی دارد. از جمله ویژگی‌های این پارادایم تأکید بر یک هدف واحد، یک راه حل واحد و بهینه، تصمیم‌گیرنده واحد و برنامه‌ریزی از بالا به پایین است. همچنین بر سهم دانش علمی در سیاست‌گذاری تأکید می‌کند. این شبیه به تحلیل خط‌مشی جریان اصلی است که فرض می‌کند دانش باید علمی باشد و تصمیم‌گیری عقلانی، از بالا به پایین و تک‌مرکزی است (فلاح زاده و رکابدار، ۱۳۹۶). به گفته روزنهد^۸ (۱۹۸۹)، بحران در روش‌ها و عملکرد سیستم‌های سخت به‌طور گسترده مورد تأیید قرار گرفته است. مدل‌سازی سنتی را فقط می‌توان برای مشکلات خط‌مشی ساختاریافته یا مشکلات عملیاتی اعمال کرد. از آنجایی که بیشتر مشکلات سیاست‌گذاری، مشکلات «بد ساختار» یا «بدون ساختار» هستند، سهم مدل‌های رسمی سنتی در حل آنها بسیار

¹ - Bhatt

² - Barlow & Barlow

³ - Arnstein

⁴ - Sterling

⁵ - Fiorino

⁶ - Aunphattanasilp

⁷ - Nelson

⁸ - Rosenhead

محدود است. تصمیمات سیاستگذاران به عوامل بسیاری غیر از متغیرهایی که در یک مدل ریاضی رسمی می توان با آنها برخورد کرد، بستگی دارد (هادی پیکانی، ۱۳۹۵). دیدگاه مدل سازی رسمی، تا حدی، محیط سیاسی را که در آن سیاست گذاری در حال وقوع است، نادیده می گیرد. یک پارادایم جایگزین «تفکر سیستم های نرم» را می توان متمایز کرد که برخی از ویژگی های پارادایم مرسوم را به چالش می کشد. برای مثال، عدم قطعیت و تعارض در مورد مشکل سیاست را در نظر می گیرد (بعیدی مفردنیا و همکاران، ۱۳۹۷).

پیشینه پژوهش

- بزرگی نژاد و همکاران (۱۴۰۰) به شناسایی و تبیین ابعاد خدمات عمومی نوین در چرخه خط مشی گذاری شهرداری تهران با رویکرد استنتاج عصبی - فازی پرداختند. هدف این پژوهش معرفی پارادایم خدمات عمومی نوین و تاکید بر نقش حیاتی ابعاد خدمات عمومی نوین به عنوان زمینه سازان مشارکت شهروندی در چرخه خط مشی گذاری شهرداری تهران می باشد و ارائه الگویی متشکل از ماتریسی مشمول بر ابعاد خدمات عمومی نوین در محور X و مراحل چرخه خط مشی گذاری در محور Y با هدف تعیین اهمیت و اولویت انواع مشارکت شهروندی در تلاقی دو محور ماتریس است. در این راستا، مدل سازی فازی بر اساس روش نمونه گیری هدفمند توسط ۱۰ خبره مبتنی بر مصاحبه ساختار یافته و تحلیل آن با رویکرد سیستم استنتاج عصبی - فازی توسط نرم افزار MATLAB صورت پذیرفت. نتایج تحلیل صورت گرفته نشان می دهد که مشارکت از نوع ارتباط یک سویه و دیالوگ و بحث عمیق در شش مرحله، مشارکت از نوع مشاوره اجتماعی در پنج مرحله و مشارکت از نوع شراکت کاری در سه مرحله چرخه خط مشی گذاری موثر می باشد.

- محمدی و دانایی فرد (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارائه الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران با رویکرد نهادی پرداختند. این پژوهش با استفاده از روش کیفی موردکاوی و پس از ۲۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته با سیاست گذاران، مدیران سازمان ها و شرکت ها، انجمن ها و سرمایه گذاران به ارائه مدل توسعه مشارکتی و با رویکرد نهادی در ایران پرداخته است. در این مدل، نقش دوگانه نهادهای شناختی، هنجاری و رسمی به عنوان عامل پیشرفت و به طور همزمان، عامل توقف در مسیر توسعه تشریح شده است. دولت، با وضع قوانین تشویقی و تضمینی، انگیزه سرمایه گذاری در این بخش را ایجاد کرده است؛ اما برخی از موانع نهادی هنجاری و شناختی، مانند تضاد منافع، عدم تعهد دولتمردان و عدم اعتماد بخش خصوصی موجب کاهش سرعت توسعه شده است.

- کفاش زاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی زمینه های مشارکتی مؤثر جهت مشارکت سازمان های غیردولتی در فرایند خط مشی گذاری محیط زیستی پرداختند. یافته ها حاکی از آن بود که به طور کلی سازه های موجود در مدل زمینه های مشارکتی مؤثر بر مشارکت عمومی سازمان های غیردولتی در خط مشی گذاری محیط زیستی حدود ۶۱ درصد از واریانس را تبیین می کنند. همچنین از دیدگاه اعضا، سازمان های غیردولتی محیط زیستی می توانند با مشارکت در ایجاد تصمیمات محیط زیستی و نظارت و ارزیابی تصمیمات محیط زیستی پس از اجرا، نقش مؤثری در فرایند خط مشی گذاری محیط زیستی داشته باشند.

- دی اسمیت و بورش (۲۰۲۰) در پژوهش خود به طراحی خط مشی گذاری مشارکتی در نوآوری سیستمی پرداختند. در این مقاله، این محققان استدلال می کنند که رویکرد نوآوری سیستم پتانسیل زیادی برای دولت ها دارد تا طراحی سیاست های خود را برای انتقال پایدار بهبود بخشند. این رویکرد مشارکتی مستلزم درک سیستماتیک تری از تغییرات تکنولوژیکی و سازماندهی بهتر مشارکت ذینفعان نسبت به اکثر شیوه های سنتی (مانند رویکرد مبتنی بر شواهد، تکنوکراتیک یا ایده آلیستی، اجماع) است. چگونه می توان یک ابزار طراحی سیاست مشارکتی با تاکید قوی بر انتقال پایدار ایجاد کرد؟ در نهایت این محققان یک درک انعکاسی از ایجاد دانش در شبکه های ذینفعان را برای توسعه چنین ابزاری مطابق با رویکرد نوآوری سیستم طراحی نمودند.

- هابر و هایمز (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی نقش تنظیم کنندگی بخش عمومی در فرایند خط مشی گذاری مشارکتی پرداختند. این تحقیق بر اساس تجزیه و تحلیل کمی و مبتنی بر فرهنگ لغت از گزارش های سالانه آژانس های نظارتی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ ($n = 781$) است. یافته ها افزایش استفاده از اصطلاحات مربوط به مشارکت را در طول زمان نشان می دهد، به استثنای قانون گذاران مالی و محیطی. این اصطلاحات بیشتر در آژانس های سطح اتحادیه اروپا، در استرالیا و فرانسه استفاده می شود، در حالی که به ندرت در موارد آلمان و اتریش استفاده می شود. تحلیل ما نشان می دهد که تغییر سطح سیاست یک محرک کلیدی

برای نحوه استفاده تنظیم‌کننده‌ها از اصطلاحات مرتبط با مشارکت است، و استدلال می‌کند که چنین مشارکتی در کشورهایی که مشارکت سهامداران در سطح ملی از طریق مؤسسات شرکت‌های متمرکز انجام می‌شود، کمتر رایج است.

- گادوسکی و روزا (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی دانش حاصل از تخصص و تجربه افراد غیرتحصیل کرده برای تدوین و تنظیم دستور کار پرداختند. این مقاله با بیان اختلاف در محتوا بین مطالعات تخصصی و همچنین بینش مبتنی بر تجربه غیر آکادمیک و تخصصی شهروندان، نشان می‌دهد که بین تدوین و تنظیم دستور کار از نظر اطلاع‌رسانی در مورد تدوین سیاست، اختلافات قابل توجهی وجود دارد. چالش‌های اجتماعی همانطور که توسط کمیسیون اروپا اعلام شده است، چارچوبی سازمان یافته برای کشف مباحث منحصر به فرد کارشناسی و تحقیقاتی شهروندان در چارچوب تولید دانش به سمت سیاست‌های خاص ارائه می‌دهد. در حقیقت نوعی بستر برای افرادی که دانشی را برای اظهار نظر در مورد دستور کار سیاست‌ها دارند ولی تخصص و جایگاه کافی برای ارائه آن را ندارند. نتایج بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد که استفاده از این رویکرد در تنظیم دستور کار، می‌تواند نتایج بسیار موثری به همراه داشته باشد

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش با استفاده از عوامل شناسایی موثر بر مشارکت عمومی شهروندان در فرایند خط مشی‌گذاری عمومی از مطالعات و ادبیات پیشین به طراحی مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (بر اساس مطالعات محقق)

روش تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش مطالعه توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۸۰ نفر از خبرگان و مدیران و کارشناسان حوزه خط مشی گذاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در وزارتخانه متبوع در تهران می باشند. روش نمونه گیری مورد استفاده در این پژوهش هدفمند و قضاوتی بود که ۸۰ پرسشنامه در بین خبرگان و کارشناسان توزیع گردید. در این پژوهش تمرکز اصلی بر روی شناسایی و بررسی روابط بین عوامل موثر بر مشارکت عمومی شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری می باشد. به همین منظور با استفاده از مطالعات اولیه، عواملی شناسایی شده اند.

جدول ۱. عوامل اولیه شناسایی شده از ادبیات پژوهش

ردیف	عوامل شناسایی شده از ادبیات
۱	ایجاد مرکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری در کلیه وزارتخانه ها و سازمان های دولتی به منظور جذب نظرات عمومی شهروندان
۲	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در کلیه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی
۳	حمایت حاکمیت و دستگاه های دولتی از اهداف و تصمیمات مراکز سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
۴	حمایت حاکمیت و دولت در ایجاد زمینه مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب
۵	بازمهندسی سازمان های دولتی در جهت تعدیل افراد ناکارآمد و فاقد بازدهی و زمینه سازی جهت کاربردی شدن نظرات شهروندان
۶	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
۷	استفاده از مشوق های عمومی
۸	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه
۹	اصلاح رفتار سیاسی-اجتماعی در سطح ملی
۱۰	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی
۱۱	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه
۱۲	اصلاح ادراک و نگرش شهروندان و نخبگان در جامعه
۱۳	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری
۱۴	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور
۱۵	ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور
۱۶	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه است. در این پژوهش از دو پرسشنامه استاندارد برای جمع آوری نظرات خبرگان استفاده می شود. پرسشنامه اول پرسشنامه دلفی است که محقق فهرست عوامل موثر شناسایی شده را طبق جدول (۱) در اختیار خبرگان قرار می دهد و از آنها درخواست می کند تا نظر خود را مطابق یک طیف ۵ تایی لیکرت از کاملا غیرموثر تا کاملا موثر مشخص نمایند. سپس پرسشنامه جمع آوری و پس از محاسبه میانگین اولیه، مجددا در اختیار خبره قرار می گیرد و این فرآیند تا زمان رسیدن به اجماع نظرات ادامه می یابد. سپس پرسشنامه تحلیل عاملی در اختیار کارشناسان قرار گرفت که در آن از کارشناسان درخواست شد که در مورد هر یک از عوامل نظر خود را اعلام نمایند. از یک طیف ۵ تایی برای بررسی نظرات کارشناسان استفاده شد. در این پژوهش از نرم افزار اکسل مایکروسافت ۲۰۱۶ و SPSS 23 برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش و آزمون سؤالات استفاده شده است.

یافته‌ها

در جدول ۴-۵ نتیجه مرحله اول پرسشنامه دلفی ارائه می‌گردد. میانگین نظرات با استفاده از روش میانگین حسابی محاسبه شده است.

جدول ۲. نتایج مرحله اول روش دلفی		
توضیحات	میانگین مرحله اول	عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی
در کلیه موارد وزارتخانه‌ها حذف شود و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جایگزین شود	۳,۱۷۸	ایجاد مرکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری در وزارت تعاون به منظور جذب نظرات عمومی شهروندان
	۴,۱۷۶	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون
	۳,۲۱۶	حمایت وزارت تعاون از اهداف و تصمیمات مراکز سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
	۴,۷۱۹	حمایت وزارت تعاون از زمینه سازی مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب
	۳,۴۴۱	بازمهندسی سازمانی وزارت تعاون در جهت تعدیل افراد ناکارآمد و فاقد بازدهی و زمینه سازی جهت کاربردی شدن نظرات شهروندان
	۳,۹۸۵	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
ادغام با «تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه»	---	استفاده از مشوق های عمومی
	۳,۷۸۲	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی
	۴,۲۱۸	اصلاح رفتار سیاسی- اجتماعی در سطح ملی
	۳,۷۷۷	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی
	۳,۹۸۲	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه
	۲,۹۱۵	اصلاح ادراک و نگرش شهروندان و نخبگان در جامعه
	۳,۶۹۵	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری
	۴,۲۱۷	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور
	۳,۱۰۹	ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور
	۳,۹۴۲	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم
	---	ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان
	---	زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر

جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی	---
بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین	---
ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها	---

بر اساس نتایج اولیه، ۱ مورد ادغام در پرسشنامه اولیه توسط خبرگان پیشنهاد شده بود که در پرسشنامه دوم اعمال شد. با توجه به نتایج به دست آمده، لیست مولفه ها به همراه میانگین محاسبه شده برای هر یک مجدداً برای خبرگان ارسال گردید. نتایج مرحله دوم در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج مرحله دوم روش دلفی

عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی	میانگین مرحله دوم
ایجاد مرکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری در وزارت تعاون به منظور جذب نظرات عمومی شهروندان	۳,۲۱۵
ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون	۴,۲۰۵
حمایت وزارت تعاون از اهداف و تصمیمات مراکز سیاست پژوهی و خط مشی گذاری	۳,۲۸۷
حمایت وزارت تعاون از زمینه سازی مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب	۴,۵۵۳
بازمهندسی سازمانی وزارت تعاون در جهت تعدیل افراد ناکارآمد و فاقد بازدهی و زمینه سازی جهت کاربردی شدن نظرات شهروندان	۳,۳۹۵
ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری	۳,۹۹۵
تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی	۳,۸۸۴
اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی	۴,۲۰۹
شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی	۳,۷۸۴
حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه	۴,۰۱۵
اصلاح ادراک و نگرش شهروندان و نخبگان در جامعه	۲,۹۹۶
ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری	۳,۷۵۴
برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور	۴,۱۰۶
ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور	۳,۲۱۷
برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم	۴,۰۱۵
ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	۴,۲۱۶
زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر	۳,۹۲۷
جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی	۳,۹۹۸
بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین	۴,۲۱۶
ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها	۴,۰۰۱

در جدول (۴) به مقایسه نتایج به دست آمده از مرحله اول و دوم دلفی در مورد تایید یا عدم تایید هر یک از عوامل پرداخته می شود.

جدول ۴. بررسی اختلاف بین میانگین نظرات مرحله اول و دوم

نتیجه	اختلاف بین میانگین‌ها	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله اول	عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی
رد	۰.۰۳۷	۳,۲۱۵	۳,۱۷۸	ایجاد مرکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری در وزارت تعاون به منظور جذب نظرات عمومی شهروندان
تایید	۰.۰۲۹	۴,۲۰۵	۴,۱۷۶	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون
رد	۰.۰۷۱	۳,۲۸۷	۳,۲۱۶	حمایت وزارت تعاون از اهداف و تصمیمات مراکز سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
تایید	۰.۱۶۶	۴,۵۵۳	۴,۷۱۹	حمایت وزارت تعاون از زمینه سازی مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب
رد	۰.۰۴۶	۳,۳۹۵	۳,۴۴۱	بازمهندسی سازمانی وزارت تعاون در جهت تعدیل افراد ناکارآمد و فاقد بازدهی و زمینه سازی جهت کاربردی شدن نظرات شهروندان
تایید	۰.۰۱	۳,۹۹۵	۳,۹۸۵	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
تایید	۰.۱۰۲	۳,۸۸۴	۳,۷۸۲	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی
تایید	۰.۰۰۹	۴,۲۰۹	۴,۲۱۸	اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی
تایید	۰.۰۰۷	۳,۷۸۴	۳,۷۷۷	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی
تایید	۰.۰۳۳	۴,۰۱۵	۳,۹۸۲	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه
رد	۰.۰۸۱	۲,۹۹۶	۲,۹۱۵	اصلاح ادراک و نگرش شهروندان و نخبگان در جامعه
تایید	۰.۰۵۹	۳,۷۵۴	۳,۶۹۵	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری
تایید	۰.۱۱۱	۴,۱۰۶	۴,۲۱۷	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور
رد	۰.۱۰۸	۳,۲۱۷	۳,۱۰۹	ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور
تایید	۰.۰۷۳	۴,۰۱۵	۳,۹۴۲	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم
مرحله بعد	۴.۲۱۶	۴,۲۱۶	---	ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان
مرحله بعد	۳.۹۲۷	۳,۹۲۷	---	زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توییتر
مرحله بعد	۳.۹۹۸	۳,۹۹۸	---	جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی
مرحله بعد	۴.۲۱۶	۴,۲۱۶	---	بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین
مرحله بعد	۴.۰۰۱	۴,۰۰۱	---	ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می گردد که از بین کلیه عوامل، ۱۰ مورد تایید شده است. ۱ مورد در پرسشنامه اول اصلاح شد و ۵ مورد از مولفه ها در مرحله اول و دوم حذف شدند و تکلیف ۵ مولفه نیز باید در مرحله بعدی تعیین شود. این ۵ مولفه دارای اختلاف میانگین بیشتر از ۰,۲ بودند. بدین ترتیب پرسشنامه ای حاوی ۵ مولفه باقیمانده برای خبرگان ارسال گردید و نتایج به دست آمده در جدول (۵) مشخص شد.

جدول ۵. نتایج میانگین نظرات خبرگان در مرحله سوم

عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی	میانگین مرحله سوم
ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	۴,۱۹۸
زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر	۳,۸۸۵
جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی	۴,۰۱۴
بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین	۴,۱۵۴
ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها	۳,۹۵۲

در جدول (۶) به مقایسه نتایج به دست آمده از مرحله دوم و سوم دلفی در مورد تایید یا عدم تایید هر یک از عوامل پرداخته می شود.

جدول ۶. بررسی اختلاف بین میانگین نظرات مرحله دوم و سوم

عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف بین میانگین ها	نتیجه
ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	۴,۲۱۶	۴,۱۹۸	۰,۰۱۸	تایید
زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر	۳,۹۲۷	۳,۸۸۵	۰,۰۴۲	تایید
جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی	۳,۹۹۸	۴,۰۱۴	۰,۰۱۶	تایید
بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین	۴,۲۱۶	۴,۱۵۴	۰,۰۶۲	تایید
ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها	۴,۰۰۱	۳,۹۵۲	۰,۰۴۹	تایید

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می گردد که از بین مولفه های مرحله سوم، کلیه موارد تایید شده است. بنابراین در نهایت ۱۵ عامل موثر در مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در وزارت تعاون شناسایی و مورد بررسی خبرگان در این وزارتخانه قرار گرفت. در جدول (۷) لیست مولفه های نهایی تایید شده توسط خبرگان ارائه شده است.

جدول ۸. فهرست نهایی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی

ردیف	عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری عمومی
۱	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون
۲	حمایت وزارت تعاون از زمینه سازی مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب
۳	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری
۴	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی
۵	اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی
۶	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی
۷	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه
۸	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری

۹	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور
۱۰	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم
۱۱	ایجاد کانال‌های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان
۱۲	زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر
۱۳	جمع‌آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی
۱۴	بازخوردگیری عملکرد خط مشی‌های پیشین
۱۵	ایجاد کانال‌های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی‌ها

تحلیل عاملی اکتشافی

در این بخش مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری به صورت خطی بی‌مقیاس سازی شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی بر روی مقادیر بی‌مقیاس شده ماتریس‌های تصمیم‌گیری در ادامه بیان می‌گردد. در جداول زیر مقدار واریانس و بارهای ابتدایی، مؤلفه‌های استخراجی و مؤلفه‌ها پس از چرخش تبیین می‌گردد، در سه بخش نشان داده شده است.

جدول ۹. میزان واریانس تبیین شده عامل‌ها قبل و بعد از چرخش

عوامل			مقادیر ویژه اولیه			استخراج مجموع مجذور بارهای عاملی		
کل	درصد تبیین واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد تبیین واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد تبیین واریانس	درصد تجمعی
۳,۸۸۵	۲۶,۷۱۷	۲۶,۷۱۷	۳,۸۸۵	۲۶,۷۱۷	۲۶,۷۱۷	۳,۸۸۵	۲۶,۷۱۷	۲۶,۷۱۷
۱,۹۷۵	۲۵,۰۹۴	۵۱,۸۱۱	۱,۹۷۵	۲۵,۰۹۴	۵۱,۸۱۱	۱,۹۷۵	۲۵,۰۹۴	۵۱,۸۱۱
۱,۱۲۲	۲۱,۹۶۳	۷۳,۷۷۴	۱,۱۲۲	۲۱,۹۶۳	۷۳,۷۷۴	۱,۱۲۲	۲۱,۹۶۳	۷۳,۷۷۴
۱,۱۰۵	۱۸,۶۷۵	۹۲,۴۴۹	۱,۱۰۵	۱۸,۶۷۵	۹۲,۴۴۹	۱,۱۰۵	۱۸,۶۷۵	۹۲,۴۴۹
۰,۷۲۹	۰,۹۴۷	۹۳,۳۹۳	۰,۷۲۹	۰,۹۴۷	۹۳,۳۹۳	۰,۷۲۹	۰,۹۴۷	۹۳,۳۹۳
۰,۶۴۹	۰,۹۱۴	۹۴,۲۵۸	۰,۶۴۹	۰,۹۱۴	۹۴,۲۵۸	۰,۶۴۹	۰,۹۱۴	۹۴,۲۵۸
۰,۵۷۰	۰,۸۹۵	۹۵,۱۳۲	۰,۵۷۰	۰,۸۹۵	۹۵,۱۳۲	۰,۵۷۰	۰,۸۹۵	۹۵,۱۳۲
۰,۵۰۸	۰,۸۷۴	۹۵,۹۹۶	۰,۵۰۸	۰,۸۷۴	۹۵,۹۹۶	۰,۵۰۸	۰,۸۷۴	۹۵,۹۹۶
۰,۴۶۸	۰,۸۶۴	۹۸,۹۴۲	۰,۴۶۸	۰,۸۶۴	۹۸,۹۴۲	۰,۴۶۸	۰,۸۶۴	۹۸,۹۴۲
۰,۲۸۲	۰,۶۴۲	۹۹,۱۴۴	۰,۲۸۲	۰,۶۴۲	۹۹,۱۴۴	۰,۲۸۲	۰,۶۴۲	۹۹,۱۴۴
۰,۲۶۵	۰,۶۰۲		۰,۲۶۵	۰,۶۰۲		۰,۲۶۵	۰,۶۰۲	

			۹۹,۱۵۹	۰,۴۱۵	۰,۱۸۳	زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر
			۹۹,۲۴۶	۰,۳۵۲	۰,۱۵۵	جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی
			۹۹,۷۰۵	۰,۱۱۰	۰,۰۴۸	بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین
			۱۰۰,۰۰۰	۰,۰۰۹	۰,۰۰۴	ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها

جدول (۱۰): مقادیر بارهای عاملی قبل از چرخش

ردیف	عوامل	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
۱	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون	۰.۹۱۴	۰.۳۸۲	۰.۵۸۲		۰.۱۴۷
۲	حمایت وزارت تعاون از زمینه سازی مناسب برای اندیشه ورزی شهروندان و نخبگان و گروه های منتخب	۰.۱۲۲	۰.۸۱۵			
۳	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست پژوهی و خط مشی گذاری	۰.۳۰۷		۰.۷۱۴	۰.۲۱۴	۰.۱۱۸
۴	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی				۰.۸۸۴	
۵	اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی	۰.۳۱۴				۰.۷۰۸
۶	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی				۰.۳۱۶	۰.۶۱۵
۷	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه	۰.۱۶۳			۰.۴۱۷	۰.۸۱۷
۸	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری	۰.۱۱۷			۰.۷۵۶	
۹	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور	۰.۷۷۴	۰.۲۱۹			
۱۰	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم	۰.۳۱۸				۰.۷۳۹
۱۱	ایجاد کانال های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	۰.۷۶۱		۰.۲۲۶		۰.۱۱۵
۱۲	زمینه سازی مشارکت شهروندان در شبکه های اجتماعی مانند توئیتر	۰.۶۹۸	۰.۱۷۸		۰.۳۲۸	
۱۳	جمع آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی		۰.۲۹۲	۰.۶۹۸	۰.۱۰۶	
۱۴	بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین	۰.۱۱۵		۰.۶۶۳	۰.۲۱۷	
۱۵	ایجاد کانال های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی ها	۰.۸۰۷		۰.۱۱۷		۰.۳۱۷

جدول (۱۱) بارهای مربوط به عامل های حاصل قبل از اعمال چرخش را نشان می دهد. اما با توجه به این که معمولاً تفسیر واضحی ندارد، عامل های بعد از چرخش تفسیر می شوند. چرخش معمولاً تفسیر شفاف تر و واضح تری از عامل ها فراهم می کند.

جدول ۱۱. مقادیر بارهای عاملی پس از چرخش اکواماکس

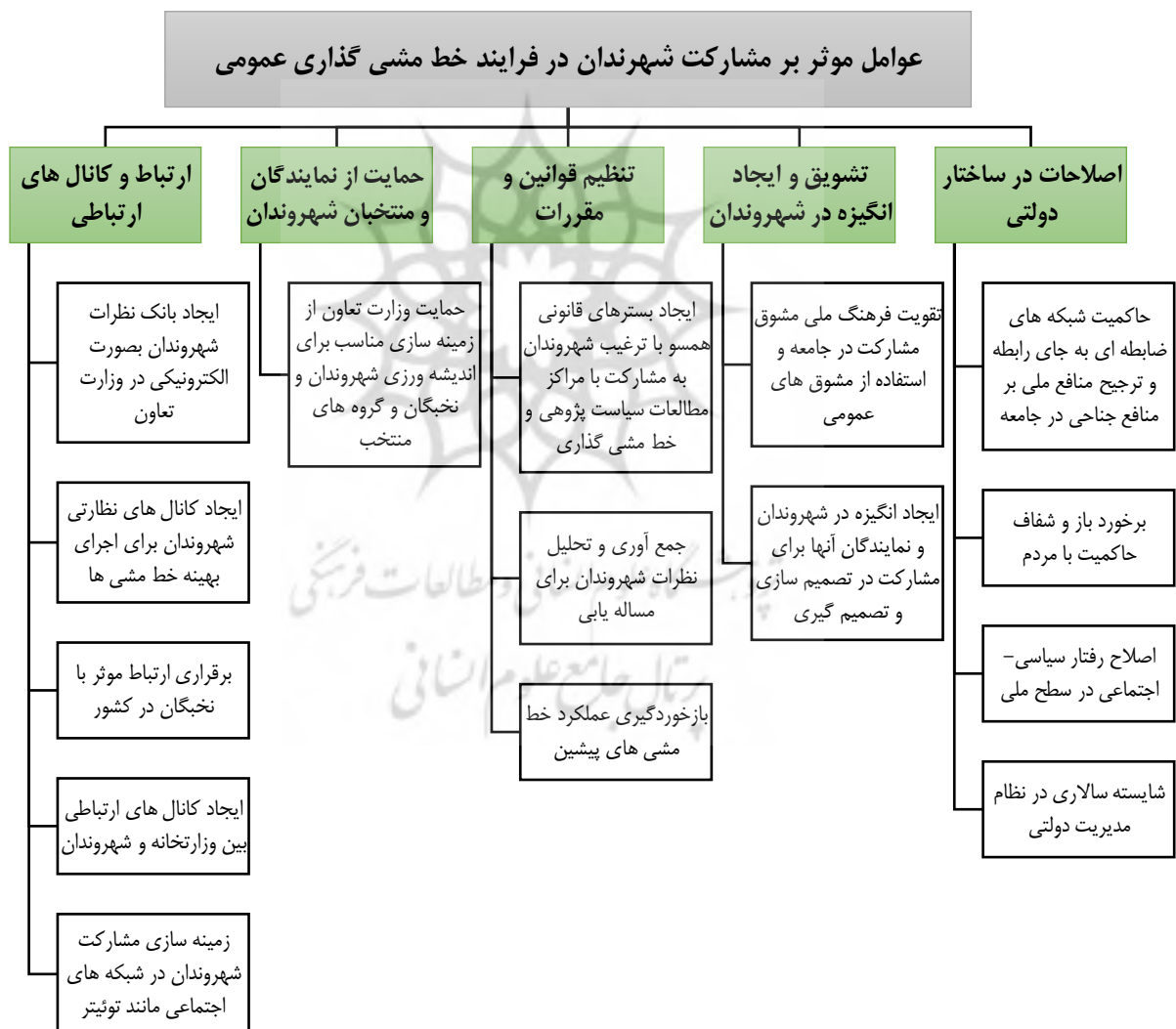
ردیف	عوامل	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
۱	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون	۰.۹۱۴				
۲	ایجاد کانال‌های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط مشی‌ها	۰.۸۰۷				
۳	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور	۰.۷۷۴				
۴	ایجاد کانال‌های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	۰.۷۶۱				
۵	زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر	۰.۶۹۸				
۶	حمایت وزارت تعاون از زمینه‌سازی مناسب برای اندیشه‌ورزی شهروندان و نخبگان و گروه‌های منتخب		۰.۸۱۵			
۷	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست‌پژوهی و خط‌مشی‌گذاری			۰.۷۱۴		
۸	جمع‌آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی			۰.۶۹۸		
۹	بازخوردگیری عملکرد خط‌مشی‌های پیشین			۰.۶۶۳		
۱۰	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق‌های عمومی				۰.۸۸۴	
۱۱	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری				۰.۷۵۶	
۱۲	حاکمیت شبکه‌های ضابطه‌ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه					۰.۸۱۷
۱۳	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم					۰.۷۳۹
۱۴	اصلاح رفتار سیاسی-اجتماعی در سطح ملی					۰.۷۰۸
۱۵	شایسته‌سالاری در نظام مدیریت دولتی					۰.۶۱۵

جدول ۱۲. نامگذاری هر یک از عوامل اصلی بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی

ردیف	عوامل فرعی	عوامل اصلی
۱	ایجاد بانک نظرات شهروندان بصورت الکترونیکی در وزارت تعاون	ارتباط و کانال‌های ارتباطی
۲	ایجاد کانال‌های نظارتی شهروندان برای اجرای بهینه خط‌مشی‌ها	
۳	برقراری ارتباط موثر با نخبگان در کشور	
۴	ایجاد کانال‌های ارتباطی بین وزارتخانه و شهروندان	
۵	زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر	
۶	حمایت وزارت تعاون از زمینه‌سازی مناسب برای اندیشه‌ورزی شهروندان و نخبگان و گروه‌های منتخب	حمایت از نمایندگان و منتخبان شهروندان
۷	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب شهروندان به مشارکت با مراکز مطالعات سیاست‌پژوهی و خط‌مشی‌گذاری	تنظیم قوانین و مقررات
۸	جمع‌آوری و تحلیل نظرات شهروندان برای مساله یابی	

۹	بازخوردگیری عملکرد خط مشی های پیشین
۱۰	تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و استفاده از مشوق های عمومی
۱۱	ایجاد انگیزه در شهروندان و نمایندگان آنها برای مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری
۱۲	حاکمیت شبکه های ضابطه ای به جای رابطه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی در جامعه
۱۳	برخورد باز و شفاف حاکمیت با مردم
۱۴	اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی
۱۵	شایسته سالاری در نظام مدیریت دولتی

تشکیل مدل تحقیق



شکل ۲. مدل نهایی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی وزارت تعاون

نتیجه‌گیری

دولت و ساختار دولتی و به تبع آن مدیریت دولتی، باید تلاش کند تا به هدف غایی خود که انجام بهینه وظایف محوله شهروندان است دست پیدا کند و این هدف به جز از طریق توسعه دموکراسی و مردم‌سالاری امکان‌پذیر نیست. دولتی که نتواند خود را با خواسته‌ها و رفع نیازها و مسائل عمومی شهروندان همسو کند، نمی‌تواند رضایت آن‌ها را جلب نموده و موجب ایجاد فاصله بین دولت و شهروندان و گسست اعتماد عمومی به دولت می‌شود. این تلاش‌ها باید در جهت گسترش جامعه مدنی و مشارکت شهروندان و تاکید بر ارزش‌های دموکراسی و مردم‌سالاری باشند. وقتی مردم‌سالاری توسعه یافت، مدیران دولتی باید نقش‌های جدید خود را در برابر شهروندان تشخیص داده و به ایفای آن بپردازد. آنان باید در این نقش شهروندان را همتایان خود بدانند و رابطه سلسله‌مراتبی فرادست و زیردست را به بوته فراموشی بسپارند. مدیران دولتی باید شهروندان و خواسته‌های آنان را درک کنند و به دنبال یافتن راه‌حلی برای پاسخگویی به آنان باشند. مدیران دولتی در آینده باید دیدگاهی شهروندمحور پیدا کنند و مشارکت‌جویی را جایگزین نگرش سنتی سلسله‌مراتبی نمایند. یکی از روش‌های ایجاد این دیدگاه شهروندمحور و شکل‌گیری مردم‌سالاری، ایجاد پل ارتباطی بین شهروندان و دولت برای مشارکت دادن شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری است. برخی از اندیشمندان (لاکروئل و همکاران، ۲۰۲۰؛ مک‌لان و پولاسک، ۲۰۲۰؛ چیا و هو، ۲۰۲۰؛ دی‌اسمت و بورش، ۲۰۲۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱)، مشارکت شهروندان را امری ضروری برای بهبود کیفیت خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن می‌دانند. بنابراین اصل مشارکت شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری یک پدیده مطلوب است. اما مشخص نیست که چگونه می‌توان زمینه را برای ایجاد چنین شرایطی فراهم کرد. زیرا قطعاً برخی از عوامل در این زمینه موثر هستند و با تقویت این عوامل یا بررسی آنها، می‌توان شرایط را بهبود بخشید. اما بررسی‌های مطالعات و مقالات پیشین، مشخص نکرده است که این عوامل، چه هستند؟ از طرف دیگر مشخص نیست که این عوامل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چیست؟ یعنی ممکن است به برخی از عوامل در مطالعات خارجی و حتی داخلی اشاره شده باشد، اما اینکه آیا این عوامل می‌توانند بطور واقعی و عملیاتی در مشارکت شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری دخیل باشند یا خیر، صحبتی نشده است. موضوعی که محققان پیشین کم و بیش به آن پرداخته و روش‌های متنوعی را برای مشارکت شهروندان بر شمرده‌اند اما در بین پژوهش‌های صورت‌گرفته، به شناسایی و بررسی عوامل موثر بر مشارکت عمومی شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری پرداخته نشده است. در این پژوهش، هدف اصلی محققان، شناسایی و بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود که با استفاده از مطالعات و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به این مهم پرداخته شد. فرایند صورت‌گرفته در پژوهش در ادامه بطور خلاصه مرور شده است. نتایج پژوهش حاضر را می‌توان از نظر همسویی عوامل شناسایی شده، همسو با پژوهش‌های سیاهکالی مرادی و همکاران (۱۴۰۰)، آنفاتاناسیلپ (۲۰۱۸)، تونسن و همکاران (۲۰۱۹) و گادوسکی و روزا (۲۰۲۰)، دی‌اسمت و بورش (۲۰۲۰) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۱) دانست.

پیشنهادات

- بررسی کانال‌های ارتباطی بین وزارت تعاون و شهروندان و ساختاردهی این روش‌ها بر اساس سهولت برای شهروندان و میزان اثرگذاری
- بررسی روش‌های رسانیدن صدای شهروندان به خط‌مشی‌گذاران دولتی در کشورهای مختلف و طراحی یک مدل صدای شهروندان
- طراحی نظام ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی بر اساس مدل ذهنی ارزیابی عملکرد شهروندان
- بررسی موانع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مشارکت شهروندان در وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی
- طراحی روش‌های تحلیل داده‌های انبوه و مطالعه نظرات در شبکه‌های اجتماعی همچون توییتر برای بررسی نظرات شهروندان در مورد خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های وزارت تعاون
- بررسی میزان همسویی و رضایت شهروندان از عملکرد خط‌مشی‌های وزارت تعاون در دولت جدید

References

1. Aunphattanasilp, C. (2018). From decentralization to re-nationalization: Energy policy networks and energy agenda setting in Thailand (1987–2017). *Energy Policy*, 120, pp.593-599.
2. Baidi Mafardania, Ali; Manourian, Abbas; Rahbar, Farhad and Ali Asghar Pourezat (2017). Designing a new model of cross-border trade monitoring policy using contextual theory, initiative and creativity in humanities, 8th volume, number 1, pp. 56-23.
3. Barlow, D. E., & Barlow, M. H. (2018). *Police in a multicultural society: An American story*. Waveland Press.
4. Bhatt, atul (2018), *A Modern Law Library Action: The Future of Digital Books in Indian Law Schools*, *International Journal of Allied Practice, Research and Review*.
5. De Smedt, P., & Borch, K. (2021). Participatory policy design in system innovation. *Policy Design and Practice*, 1-15.
6. Fallahzadeh, Ali Mohammad. and the rider, Seyyed Jamal. (2016). A look at the right of favorable administration in Iranian administrative law. *Two quarterly administrative law journals*. Volume 4, Number 12.
7. Goldar, Zahra, Amiri, Mojtabi, Qolipursoteh, Rahmat Elah, Moazzami, Mansour (2016). Designing the conceptual framework of stakeholders' involvement in public policy, *Audit Knowledge Quarterly*, 17th year, No. 66, pp. 81-105.
8. Hadi Pikani, Mehraban. (2015). *An input on the public policy process*. Isfahan: Research Vice-Chancellor of Islamic Azad University, Khorasgan Branch.
9. Kafashzadeh, Alireza, Darvish, Hassan, Rasouli, Reza, Sanjaghi, Mohammad Ibrahim. (2016). Effective participatory fields for the participation of non-governmental organizations in the environmental policy-making process: structural equation modeling. *Scientific quarterly of environmental education and sustainable development*, fifth year, number 4, pp. 85-97.
10. Lakerveld, J., Woods, C., Hebestreit, A., Brenner, H., Flechtner-Mors, M., Harrington, J. M., ... & Murrin, C. (2020). Advancing the evidence base for public policies impacting on dietary behaviour, physical activity and sedentary behaviour in Europe: The Policy Evaluation Network promoting a multidisciplinary approach. *Food Policy*, 101873.
11. Magrenejad, Mehrdad, Mammazadeh, Gholamreza, Faqihi, Abolhasan. (1400). Identifying and explaining the dimensions of modern public services in the policy cycle of Tehran municipality with the approach of neuro-fuzzy sampling. *Development and Transformation Management Quarterly*, No. 44, pp. 1-9.
12. Manourian, Abbas; Abbasi, Tayyaba; Soleimani, Gholamreza and Ali Agha Mohseni Fashmi (2016). Designing and explaining the policy model for the development of business clusters in Iran, *Public Policy*, Volume 3, Number 4, pp: 9-28.
13. McCann, T., & Polacek, M. (2020). Understanding, choosing and applying grounded theory: part 1. *Nurse Researcher*, 28(1).
14. Mohammadi, Naimeh, Danai Fard, Hassan. (2018). The participatory governance model of Iran's renewable energy development: an institutional approach. *Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies*, 9th year, No. 30, pp. 133-155.
15. Nelson, L. K. (2020). Computational grounded theory: A methodological framework. *Sociological Methods & Research*, 49(1), 3-42.
16. Siahkali Moradi, Javad, Tahmasabi, Reza, Hamidzadeh, Ali. (2018). Understanding the role of street-level bureaucrats in the interpretation and implementation of public policies: a study of selected traffic laws of Iran. *Public policy quarterly*, third year, number 2, pp. 119-142.
17. Tahamipour, Morteza, Abedi, Samaneh, Baba Ahmadi, Reza Karimi, Ebrahimzadeh, Morteza. (2015). Investigating the impact of renewable energy on Iran's real economic growth per capita. *Iranian Energy Economy Research Journal*, 5th year, Shemaher 19, pp. 53-77.
18. Teder ,M, &Kaimre P, (2018). The participation of stakeholders in the policy processes and their satisfaction with results: A case of Estonian forestry policy. *Forest Policy and Economics*, Volume89, April 2018, Pages 54-62

19. Wu, J. S., Barbrook-Johnson, P., & Font, X. (2021). Participatory complexity in tourism policy: Understanding sustainability programmes with participatory systems mapping. *Annals of Tourism Research*, 90, 103269.
20. Zhang, L., Zhao, J., & Dong, W. (2021). Street-level bureaucrats as policy entrepreneurs: Action strategies for flexible community governance in China. *Public Administration*.



Identifying Factors Affecting Public Participation of Citizens in the Public Policy Process

Mohammad Ali Nikbakhsh^{1*}
Saeed Esmaili²

Abstract

One of the methods of creating this citizen-centered view and the formation of democracy is to create a bridge between citizens and the government to involve citizens in the policy-making process. Therefore, the principle of citizens' participation in the policy-making process is a desirable phenomenon, but it is not clear how to create the conditions for such a situation. Therefore, in this research, the factors affecting citizens' participation in the public policy-making process in the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare were identified. After examining the theoretical foundations and previous studies in the field of citizen participation in the public policy making process, based on the studies, 16 effective factors were identified. Then, these components were provided to the experts in the form of a three-stage Delphi questionnaire. According to the analysis of three rounds of Delphi, 1 component was integrated in other components and 5 components were also removed and finally 15 components were approved by the experts. In the following, using the expert opinions of 80 experts and specialists in the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, the factors were categorized and analyzed statistically, and the analysis of the results using the exploratory factor analysis technique showed that 15 components can be categorized under 5 factors. The main factors identified included communication and communication channels, support for citizens' representatives and elected representatives, setting laws and regulations, encouraging and motivating citizens, and reforms in the government structure.

Keywords: Citizen-Centered, Democracy, Policy Making Process



¹ Assistant Professor, Department of Management, Deilam Port Branch, Islamic Azad University, Deilam, Iran (Corresponding Author). nikbakhsh2000@yahoo.com

² Department of Management, Faculty of Economics and Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.